



تشریح کلیات عملیات والفجر ۸

سردار سر لشکر سید رحیم صفوی

تنظیم: محمد فردی*

| | | | | |
|--|-------|--|--|--|
| <p>یادمان شهدای اروندکنار آبادان در صبح روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ شاهد حضور سرلشکر سید یحیی رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران و مشاور مقام معظم رهبری در امور مربوط به نیروهای مسلح، در دومین دوره انتقال تجربیات فرماندهان دفاع مقدس به منظور تشریح کلیات عملیات والفجر ۸ برای دانشجویان دافوس سپاه بود. سرلشکر صفوی در سخنان خود با تشریح اهمیت عملیات والفجر ۸، به نحوه طراحی و اجرای عملیات، سازمان رزم خودی و دشمن، نتایج و مهم‌ترین خصوصیات عملیات، و برخی وقایع سیاسی و نظامی مرتبط با این عملیات پرداخت. وی همچنین به سؤالات مطرح‌شده از جمله دلایل و چرایی تصرف دوباره فاو توسط عراق در ماه‌های پایانی جنگ، استفاده از تجربیات عملیات خیبر و بدر در والفجر ۸ و دلایل تغییر استراتژی از عملیات در جبهه جنوب به عملیات در جبهه غرب در سال پایانی جنگ پاسخ گفت.</p> <p>واژگان کلیدی: رحیم‌صفوی، فرمانده نیروی زمینی سپاه، انتقال تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین^ع.</p> | چکیده | | | |
| | | | | |

اهمیت عملیات

فرمانده سابق سپاه پاسداران و مشاور نظامی مقام

معظم رهبری درباره اهمیت عملیات فاو گفت:

«۳۱ سال قبل در این منطقه بزرگ‌ترین علميانی که سرنوشت جنگ را تعیین کرد، اجرا شد. یعنی سرنوشت جنگ بعد از پیروزی [عملیات والفجر ۸ در] فاو و کربلای ۵ رقم خورد. بعد از کربلای ۵، قطعنامه ۵۹۸ به نفع ایران تصویب شد. عملیات فاو پیچیده‌ترین، سخت‌ترین و طولانی‌ترین عملیات دوران دفاع مقدس بود. ما در هیچ عملیاتی، عبور از رودخانه، جنگ در نخلستان و جنگ

پیش از سخنرانی سرلشکر صفوی، سردار مرتضی قربانی به ایشان خوشامد گفت و گزارشی را از برنامه‌های سفر دانشجویان دافوس بیان کرد. سپس سرلشکر صفوی نخستین فرمانده نیروی زمینی سپاه در شهریور ۱۳۶۴ (چند ماه پیش از آغاز عملیات والفجر ۸)، سخنان خود را با موضوع "خصوصیات عملیات فاو" آغاز و تشریح جزئیات عملیات را به فرماندهان به‌ویژه فرمانده لشکر ۲۵ کربلا واگذار کرد.

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶

در دشت را [به صورت هم‌زمان] نداشتیم. مدت زمان این عملیات ۷۰ شبانه‌روز جنگ و پاتک بود.»

طراحی عملیات

سرلشکر صفوی فرایند یک‌ساله طراحی عملیات والفجر ۸ را از شناسایی تا آماده‌سازی منطقه عملیات، به شرح زیر بیان کرد:

«برای آماده‌سازی این عملیات حدود یک سال کار بسیار ارزشمند مهندسی و سایر کارها را داشتیم. مثلاً کلیات محاسبات جزرومد این رودخانه را حساب کردیم و برای رصد جزرومد و شناخت آن، جدول ۲۰ ساله جزرومد این رودخانه را از یک کشور خارجی گرفتیم و ۶ ماه هم خودمان کنار این رودخانه علامتی گذاشتیم تا ساعت جزرومد آن را به دست بیاوریم. شناسایی‌ها بسیار طولانی بود. بعضی از غواص‌های ما چندین روز می‌رفتند و آن طرف رود در خاک عراق در فاو می‌ماندند؛ به خاطر شناخت‌نداشتن از زمین منطقه که آیا تانک در زمین آن طرف اصلاً حرکت می‌کند یا نه؟ - یک تانک حدود ۴۵ تن وزن دارد - گمانه می‌زدند، تا یک متری خاک سونداز می‌زدند تا مکانیک خاک آنجا را بشناسیم.»

اجرای عملیات

سرلشکر صفوی در ادامه به صورت خلاصه سیر اجرای عملیات والفجر ۸ را برای دانشجویان توضیح داد و با بررسی اهمیت اروندرود برای عراقی‌ها و اهداف عملیات والفجر ۸ گفت:

«این عملیات با رمز "یا فاطمه زهرا(س)" در ساعت ۱۰:۲۲ روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ شروع شد و تا ۹ اردیبهشت بعثت ۴ ماه طول کشید تا تمام شد.»



سردار سرلشکر سیدیحیی رحیم صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه در دوران دفاع مقدس، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اردیبهشت ۱۳۹۵.

سازمان رزم عملیات

وی در خصوص سازمان قرارگاهی عملیات والفجر ۸

یادآور شد:

«ما ۴ قرارگاه داشتیم:

قرارگاه خاتم الانبیا(ص): این قرارگاه، قرارگاه فرماندهی کل بود که کنار جاده خسروآباد مستقر بود و سردار رضایی و بنده و رشید و فرماندهان بالای سپاه در این قرارگاه بودند.

قرارگاه کربلا: فرماندهی این قرارگاه با برادر محتاج بود و جانشین وی احمد غلامپور بود.

قرارگاه نوح: فرماندهی این قرارگاه با برادر حسین علایی بود.

قرارگاه نجف: فرماندهی این قرارگاه با برادر محمدعلی(عزیز) جعفری بود. این قرارگاه با یگان‌هایی از ارتش مأمور شده بود.»

سرلشکر صفوی به نقش ارتش در این عملیات

نیز اشاره کرد و افزود:

سرلشکر صفوی قوای خودی در عملیات والفجر ۸ را برشمرد و سازمان قرارگاهی عملیات را شامل ۴ قرارگاه دانست:

«سپاه با ۱۴۰ گردان پیاده، زرهی و مکانیزه [این عملیات را اجرا کرد که] شامل لشکرهای ۵ نصر (به فرماندهی محمدباقر قالیباف)، ۲۵ کربلا (به فرماندهی مرتضی قربانی)، ۸ نجف (به فرماندهی احمد کاظمی)،

۱۴ امام حسین^(ع) (به فرماندهی حسین خرازی)، ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) (به فرماندهی غلامرضا جعفری)،

۱۹ فجر (به فرماندهی نبی‌الله رودکی)، ۲۷ محمد رسول‌الله^(ص) (به فرماندهی اسماعیل کوثری)، ۳۱

عاشورا (به فرماندهی امین شریعتی)، ۴۱ ثارالله^(ع) (به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی)، تیپ ۳۳ المهدی^(عج)

(به فرماندهی جعفر اسدی)، ۴۴ قمرینی هاشم^(ع) (به

فرماندهی اصغر صبوری)، و ۱۰ سیدالشهدا^(ع) (به

فرماندهی برادر علی فضلی) بودند.»

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

تشریح کلیات عملیات والفجر ۸

«هم‌زمان با عملیات فاو، ارتش با چند لشکر در شلمچه عملیات می‌کرد و در قسمت جنوبی نیز قرارگاه نجف باید ام‌الرصاص را تصرف می‌کرد. این نکته مهمی است؛ ارتش باید هم‌زمان با سپاه از سمت شلمچه به بصره پیشروی می‌کرد و جزایر ام‌الرصاص نیز توسط قرارگاه نجف تصرف می‌شد. هم‌زمان هم باید عملیات انجام می‌دادیم. خود ارتش این پیشنهاد را داده بود.»

استعداد دشمن

سرلشکر صفوی درخصوص قوای عراقی حاضر در منطقه عملیاتی والفجر ۸ نیز اظهار کرد: «در این منطقه، مسئولیت ابوالخصیب تا انتهای فاو با سپاه هفتم عراق بود. شمال [منطقه] سپاه هفتم [بود] و [سپاه سوم جنوب بصره تا العماره را عهده‌دار بود. سازمان رزم دشمن تا آخر عملیات شامل اینها بود: لشکر ۲۶ عراق، به‌اضافه ۱۲۶ گردان پیاده، ۳۲ گردان زرهی، ۳۲ گردان مکانیزه، ۲۹ گردان کماندویی، و ۲۰ گردان گارد ریاست جمهوری.»

سردار صفوی:
جنگ‌ها را رهبران سیاسی شروع می‌کنند و رهبران سیاسی خاتمه می‌دهند. فرماندهان نظامی در سطح بالا به رهبران سیاسی مشورت می‌دهند.

ویژگی‌های خاص عملیات

سرلشکر صفوی در قسمتی از سخنرانی خود در قالب یک بحث نظری، با بررسی نقش رهبران سیاسی درخصوص شروع و پایان جنگ‌ها، مقابله با تحمیل اراده کشور متجاوز را تلاش همه دولت‌ها و رهبران

نتیجه عملیات

ایشان در ادامه نتایج عملیات والفجر ۸ را برشمرده و میزان هواپیماهای ساقط‌شده در این عملیات را در همه جنگ بی‌سابقه دانست: «در این عملیات، ۵۰ هزار نفر از نیروهای دشمن

آنها دانست و در این باره گفت:

«فرماندهی عالی این عملیات را آقای هاشمی عهده‌دار بود. آقای هاشمی از زمستان سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ فرماندهی جنگ را عهده‌دار شدند و تا پایان جنگ هم مسئولیت‌های جنگ به عهده ایشان بود. جنگ‌ها را رهبران سیاسی شروع می‌کنند و رهبران سیاسی خاتمه می‌دهند. فرماندهان نظامی در سطح بالا به رهبران سیاسی مشورت می‌دهند، اما تصمیم‌گیری اساسی در رابطه با شروع و پایان جنگ، رهبران سیاسی هستند. جنگ درحقیقت، ادامه سیاست است، اما به روش سخت. هدف اساسی جنگ‌ها تحمیل اراده سیاسی یک کشور بر کشور دیگر است. این تحمیل اراده ممکن است تصرف قسمتی از سرزمین آن کشور باشد، تصرف یک منبع اقتصادی، بستن یک قرارداد مانند ترکمنچای و گلستان یا لغو یک قرارداد مانند لغو قرارداد ۱۹۷۵، یا حتی می‌تواند اراده سیاسی سرنگونی نظام طرف مقابل باشد. مهم‌ترین هدف اساسی غیرقابل تغییر هر دولت - ملتی، حفظ بقای ملی (یعنی خودشان، سرزمینشان، حکومتشان، ارزش‌ها، هویت ملی و منافع خود) است. جنگ‌ها این هدف‌های اساسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جنگ‌ها ممکن است دولتی را سرنگون کنند یا ملتی را مانند ملت فلسطین آواره کنند. معمولاً دولت - ملت‌ها بیشترین سرمایه خود را برای مقابله با جنگ و برای مقابله با اراده دشمن به کار می‌گیرند.»

وی سپس خصوصیات اصلی عملیات فاو را استفاده از تجربیات عملیات خیبر و بدر، غافلگیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی حامی عراق،

فریب دشمن، حفاظت اطلاعات، شناسایی‌های دقیق، قدرت فکری فرماندهان در طرح‌ریزی عملیات، حل مشکل پشتیبانی عملیات، شجاعت رزمندگان و فرماندهان، ابتکارات جهاد، و... خواند و تصریح کرد: «عملیات فاو محصول تجربیات عملیات خیبر و عملیات بدر بود. درحقیقت، ما همه تجارب دو عملیات را جمع کرده و در عملیات فاو استفاده کردیم.»

فرمان امام خمینی برای تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه در ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ (چند ماه قبل از عملیات فاو) صادر شد. اولین فرمانده نیروی هوایی آقای سردار موسی رفان بودند که الآن در وزارت نیرو هستند؛ اولین فرمانده نیروی دریایی سپاه آقای حسین علایی بودند که

اکنون مدیرعامل هواپیمایی آسمان هستند؛ و اولین فرمانده نیروی زمینی سپاه هم این بنده حقیر و جامانده از قافله شهدا بودم.

مهم‌ترین ویژگی عملیات فاو، غافلگیری قدرت‌های فرماندهی (امریکا، شوروی و...)، حامیان منطقه‌ای عراق (مثل کویت، عربستان و...) و خود رژیم بعث عراق بود. این غافلگیری هم در استراتژی و هم در تاکتیک عملیات بود.

فریب استراتژیک دشمن کار خیلی بزرگی است.

عملیات فاو محصول تجربیات عملیات خیبر و عملیات بدر بود. درحقیقت، ما همه تجارب دو عملیات را جمع کرده و در عملیات فاو استفاده کردیم.

| | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | |

تشریح کلیات عملیات والفجر ۸

ما چگونه دشمن را فریب دادیم؟ کارهای جدی را انجام دادیم و وانمود کردیم تا عراق فکر کند می‌خواهیم آنجا عملیات کنیم. ما در کنار هورالهوریه - همان جایی که عملیات خیبر و بدر را انجام دادیم - سکوهای موشکی، هاگ و هلیکوپتر و ۲۰۰۰ قایق شکسته خود را بردیم، چادرهای زیادی را آنجا گذاشتیم که روزها نیروهایمان در این چادرها بودند و شب‌ها آنها را کنار بهمنشیر می‌بردیم.

از همه مهم‌تر به نیروهای مستقر در جزیره شمالی و جنوبی گفتیم عملیات شناسایی خود را شروع کنند. عملیات شناسایی یعنی اینکه می‌خواهیم اینجا عملیات انجام دهیم. یک جاسوس را هم در اهواز گرفتیم که برای صدام اخبار می‌فرستاد؛ حکمش اعدام بود، گریه‌واری کرد و ما گفتیم اخباری را که ما می‌گوییم باید بفرستی. مثلاً ما ۱۰ کامیون نیرو به سمت هویزه می‌فرستادیم و به این هم می‌گفتیم اخبار را بده. این یعنی یک فریب بزرگ برای دشمن. یک مورد دیگر درباره غافلگیری مربوط به آبادان بود. جزیره آبادان مثل کیسه می‌ماند که ما سر این کیسه را بستیم. همه مردمی که در این منطقه بودند، دستگاه‌های اداری و... را از منطقه بیرون کردیم. اینکه چطور این مردم را از منطقه خارج کردیم خود یک پروژه است که چگونه نفهمند؛ چون به راحتی با یک قایق کوچک یا بلم می‌شود آن طرف رفت. خود نیروهای ما وقتی می‌خواستند ببینند با لباس شخصی، ۱۰ تا ۱۵ برگه تردد داده بودند، یعنی حفاظت اطلاعات محکمی برقرار شد و تردها در قالب جهاد سازندگی بود.

ما تسلط کامل اطلاعاتی و عملیاتی بر دشمن، هم بر زمین دشمن هم بر خود دشمن و هم بر اوضاع جوی داشتیم. ما دکل‌های دیدبانی ۲۰ متری را کنار دو جاده البحار و ام‌القصر زده بودیم و به راحتی از روی دکل‌ها آنها را کنترل می‌کردیم و همه تردهای عراقی‌ها را می‌دیدیم. یعنی با یک اشراف اطلاعاتی بر دشمن همه چیز را زیر نظر داشتیم.

قدرت فکری فرماندهان سپاه در طرح‌ریزی این عملیات فوق‌العاده بود. از چگونگی سوار کردن نیروها به قایق‌های واقع در نهرها، نحوه عبور از اروند، چگونگی شکستن خط، چگونگی جنگ در نخلستان‌ها، و چگونگی جنگ در دشت بعد از عبور از نخلستان‌ها، همگی از این قدرت فکری بود. عبور از رودخانه از سخت‌ترین عملیات‌هاست. فقط در جنگ جهانی دوم که به آن "نبرد نرماندی" می‌گویند و متفقین (امریکا، فرانسه، انگلیس) نیروهایشان را در سواحل انگلستان سازمان دادند و بعد به ساحل فرانسه آوردند که حدود ۶ ماه طول کشید. ساحل سمت ما ساحل نزدیک می‌شود و ساحل سمت دشمن ساحل دور. دشمن در سنگرهای بتنی و تیربار هر نیرویی را که بخواهد از رودخانه عبور کند به راحتی می‌تواند غرق کند. عبور از رودخانه بسیار عملیات سختی است که به آن عملیات آبی - خاکی (آفیدی) می‌گویند.

بعد از جنگ، ارتشید اسلم‌بیک فرمانده ارتش پاکستان که به ایران آمده بود، از ما خواش کرد برای وی بگوییم که چطور عملیات فاو انجام شد. ۳ سرلشکر و چند سرتیپ همراهش بودند که خودم آنها را به این منطقه آوردم. وقتی که کنار



سردار سرلشکر سیدجیحی رحیم صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه در دوران دفاع مقدس، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اردیبهشت ۱۳۹۵.

این رودخانه آمد، ما هنوز پل بعثت را جمع نکرده بودیم. عبور از رود و چگونگی احداث پل توسط جهاد سازندگی را برایشان شرح دادیم. گفت این عملیات یک افتخار بزرگ است برای شما که در جهان اسلام در هیچ کدام از ارتش‌ها سابقه نداشته و از سطح کشورهای منطقه ما بالاتر است.

فکر بالاتر، ایمان بالاتر، شجاعت بالاتر در عبور از منطقه را در اینجا ببینید.

در عملیات فاو ما قوی‌ترین طرح‌ریزی آتش و انهدام ارتش عراق را داشتیم. آتش پشتیبانی مسئله خیلی مهمی است. یکی از دلایل اصلی شکست و انهدام ما در عملیات‌های خیبر و بدر، نداشتن آتش پشتیبانی بود. ما در این عملیات‌ها ۳۰ کیلومتر در عمق دشمن رفته بودیم و پشتیبانی آتش نداشتیم.

در عملیات فاو مشکل پشتیبانی را حل کردیم. به موازات جاده خسروآباد، یک جاده دیگر احداث کردیم که عراقی‌ها متوجه دلیل احداث این جاده نشدند. شب عملیات همه توپخانه‌ها را، هم توپخانه سپاه و هم ارتش، روی این جاده و جلو آن خاکریز مستقر کردیم و طول دو جاده البحار و جاده استراتژیک، یعنی جایی که عراقی‌ها از جلو ابوالخصیب رد شده و به لجمن می‌آمدند، آتش دیدبانی شده روی سرشان ریخته می‌شد که باعث انهدام نسبی آنها شد و تازه بعد از این انهدام می‌خواستند برای جنگ بیایند.

نکته دیگر شجاعت فرماندهان، بسیجیان، سپاهیان، و جهاد سازندگی بود.

۳ روز اول عملیات عراقی‌ها غافلگیر شدند و فکر می‌کردند به دلیل نزدیکی به بصره، عملیات اصلی در شلمچه و ام‌الرصاص است... جزیره ام‌الرصاص را آقای اعزیز [جعفری و یگان‌هایش

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

تشریح کلیات عملیات والفجر ۸

مانور عملیات شکستند و به جزیره رفتند و یکی دو روزی هم در جزیره بودند، اما زور عراقی‌ها بیشتر بود. قرارگاه نجف از روز چهارم به کمک ما آمد. عراقی‌ها چون عقب افتاده بودند، ۳-۴ روز اول ۳ برابر مساحتی را که ما [در فاو] تصرف کرده بودیم، با هواپیما بمباران شیمیایی کردند. ۳-۴ روز اول بمباران شیمیایی شدیدی کردند و ۳ برابر معمول آن از شیمیایی استفاده کردند. ما ۴ روز اول، ۱۷ هزار مجروح شیمیایی از منطقه تخلیه کردیم. بحث بیمارستان هم جدی بود. بیمارستان فاطمه زهرا^(س) را در نزدیکی چوئبده احداث کرده بودیم که هم برای عمل جراحی و هم برای کارهای ضدشیمیایی بود. روی سقف آن ۳ لایه بتون ریخته بودیم. عراقی‌ها بمب ۵۰۰ پوندی روی این بیمارستان انداختند، اما فقط بتون اول این بیمارستان خم شد و نتوانستند بیمارستان را منهدم کنند. همچنین کل بیمارستان را شیمیایی زدند و ما زود آن را پاک‌سازی کردیم. در جنگ ویتنام امریکایی‌ها ۲/۵ ساعت طول می‌کشید تا مجروحان را به بیمارستان برسانند. ما در این عملیات حداکثر ۱/۵ تا ۲ ساعت مجروحان را به بیمارستان می‌بردیم. تیم‌های پزشکی هم تیم‌های داوطلب بودند. مثلاً برای این عملیات ما پزشکان را بردیم کرمانشاه و بعد به اهواز آوردیم؛ بدون اینکه بفهمند آنها را کجا آوردیم. این پزشکان عالی‌قدر قبول می‌کردند که ما نگذاریم بفهمند کجا و چگونه عملیات انجام می‌شود. احداث پل بعثت هم شاهکار مهندسی جنگ در این عملیات بود.»

سرلشکر صفوی در تشریح نحوه اجرای عملیات والفجر ۸، با بررسی زمان و شیوه عبور از آب اروند، خط‌شکنی و پیشروی در ۳ روز نخست اول عملیات گفت:

«ما مانور عملیات فاو را براساس مد راکد (یا جزر راکد) طرح‌ریزی کردیم، یعنی نه آب بالا برود و نه پایین بیاید؛ چون نیروی اولی که می‌خواهد از آب رد شود غواص‌ها بودند. سرعت جزر و سرعت مد بسیار زیاد بود و نیروها نمی‌توانستند بروند. ۷۰ هزار نیرو را پای‌کار آوردیم و به غواص‌ها چراغ داده بودیم که آن طرف بروند. آن شب که می‌خواستیم عملیات را شروع کنیم خلیج فارس و اروندرود طوفانی شد و نمی‌دانستیم که عملیات را انجام دهیم یا نه؟ اگر می‌خواستیم عملیات انجام دهیم، با آن وضعیت غواص‌ها نمی‌توانستند خط را بشکنند و اگر خط شکسته نمی‌شد امکان عملیات نبود. اگر هم نمی‌خواستیم عملیات کنیم، فردای آن روز یک میگ ۲۵ عراقی می‌آمد و با عکسبرداری و فیلمبرداری همه تجمع توپخانه و نیروها لو می‌رفت. مانده بودیم چکار کنیم و در قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) به حالت گریه‌و‌زاری بودیم. به خدا می‌گفتیم تو قوم موسی کلیم‌الله را از نیل عبور دادی، می‌شود قوم محمد رسول‌الله را [از اینجا عبور دهی؟]

بالاخره تصمیم گرفته شد وارد عملیات شویم. غواص‌ها با رمز "یا فاطمه زهرا^(س)" داخل آب رفتند و به خط زدند و یک ساعت طول نکشید که خط اول شکسته شد. عجیب‌تر این بود که عراقی‌ها نیم ساعت قبل از عملیات با یک

پاتک عراقی از روز چهارم عملیات

سرلشکر صفوی در ادامه با اشاره به شروع پاتک عراق از روز چهارم عملیات، مکالمه جالب یکی از فرماندهان گارد با فرمانده دیگر و درماندگی آنها را نقل کرد: «عراقی‌ها از صبح روز چهارم پاتک را شروع کردند. از همان صبح روز چهارم که قصد حمله داشتند شنود ما گرفت. عراقی‌ها در زیر تانک‌هایشان خوابیده بودند که لشکرهای ۴۴ [قمرینی‌هاشم^(ع)] و ۲۵ [کربلا] و

۱۷ [علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع)] شبانه به آنها حمله کردند. آنها هم خسته بودند و نیروهای ما با نارنجک و اسلحه کلاش قتل‌عامی از لشکر گارد عراق انجام داده و عراقی‌ها را فراری دادند. همان روز عملیات، ارتش عراق نیروهای خود را شیمیایی کرد که داد این نیروها درآمد. ما از شنود بسیار قوی برخوردار بودیم

عراقی‌ها از صبح روز چهارم پاتک را شروع کردند. در مقابل نیروهای ما با نارنجک و اسلحه کلاش قتل‌عامی از لشکر گارد عراق انجام و عراقی‌ها را فراری دادند. همان روز عملیات، ارتش عراق نیروهای خود را شیمیایی کرد که داد این نیروها درآمد.

که تمام بی‌سیم‌های عراق را شنود می‌کردیم. ما بی‌سیم‌های را کال دارای رمز عراقی‌ها را به یکی از دانشگاه‌ها سپرده بودیم و آنها رمزها را شکسته بودند. زمانی که عراقی‌ها از بصره با بغداد تماس می‌گرفتند ما همه حرف‌هایشان را می‌شنیدیم. سخنان یکی از فرماندهان گارد ۴۴ عراق در روزهای اول عملیات را برایتان می‌خوانم:

فرمانده: وضع ما بسیار بد و سخت می‌باشد. آتش توپخانه روی ما بسیار مؤثر است. تلفات ما با شمارش

پروژکتور سطح آب را روشن کردند. گفتیم یا علی! عملیات لورفت. بعد که منطقه را تصرف کرده و از همان نیروهای پروژکتور اسیر گرفتیم و ماجرا را جویا شدیم گفتند که آزمایشی بود و به‌تازگی برایشان پروژکتوری آورده شده بود که در حال تست آن بودند که درست کار می‌کند یا نه.

خط اول خیلی زود شکسته شد. طرح اولیه ما این بود که جلو کارخانه نمک را از جایی که اروند خمیدگی و نزدیک‌ترین فاصله را با خاک کارخانه نمک دارد، انتخاب کردیم. انتخاب زمین و زمان دست نیروی آفندی است. به دلیل اینکه قدرت ما نیروی پیاده و قدرت عراق نیروهای زرهی و پشتیبانی بود، ما زمینی را انتخاب می‌کردیم که خودمان بتوانیم در آن بجنگیم و زرهی عراق نتواند. این زمین بهترین زمین برای ما بود. زمین اینجا بسیار پودری و خاکریز بود. عراقی‌ها با تخریب ساختمان‌ها ۳ خاکریز درست کرده بودند که با شکستن یک خاکریز در پشت آن یکی پناه بگیرند.

همان شب اول، نیروهای ما مثل لشکر ۲۵ کربلا و ۴۴ قمرینی‌هاشم^(ع) و ۸ نجف پیشروی کردند (ما این‌گونه تقسیم‌بندی کرده بودیم: تقریباً جاده البحار با ۵ نصر و ۴۴ قمرینی‌هاشم^(ع)، جاده استراتژیک با لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۸ نجف، کارخانه نمک با لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع)، و ام‌القصر با لشکر ۲۷ که مال قرارگاه نوح بود). هردو قرارگاه در شب اول توانستند پیشروی کنند و تا روز سوم و چهارم تقریباً جبهه پیوسته شد و توانستیم خاکریز بزنیم. ما از حداکثر تا حداقل برای عملیات در نظر گرفته بودیم و به آن حداقل عملیات دست پیدا کردیم.»



از راست: شهید علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش، ناشناس، رحیم صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه و محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس.

عراقی‌ها به فاو حمله کردند، ما ۱۵ گردان بیشتر نیرو در خط نداشتیم، آتش توپخانه به آن صورت نداشتیم، و عراقی‌ها با ۱۰-۹ لشکر به ما حمله کردند؛ یعنی در مقابل هر گردان ما یک لشکر عراق قرار داشت. البته تاحدودی هم ما را غافلگیر کردند و ما نفهمیدیم عراقی‌ها می‌خواهند حمله کنند. وقتی عراقی‌ها حمله کردند آقای رضایی، بنده و فرمانده لشکرهایمان در بیمارستان امام حسین (ع) کرمانشاه بودیم. آقا محسن گفت که به فاو حمله کرده‌اند، چه کسی به فاو می‌رود؟ من و آقای قربانی، حاج احمد کاظمی و حاج قاسم سلیمانی و برخی دیگر از فرماندهان از کرمانشاه با هلیکوپتر ۲۱۴ مستقیم به فاو رفتیم و فقط بین راه در دزفول سوخت‌گیری کردیم. عراقی‌ها حمله کردند و جنگ بسیار سختی بود و شیمیایی از نوع سیانور زدند. همه فرماندهان لشکر ما مثل قاسم سلیمانی در خط مقدم می‌جنگیدند. خود من در جایی بودم

هوایم‌های دشمن گفته که این هوایم‌ها غیرنظامی است و به این خلبان فحش داده‌اند که فلان فلان شده، هوایم‌ها را بزن. هوایم‌های غیرنظامی ما را ساقط کردند و تمامی سرنشینان هوایم‌ها شهید شدند. همچنین قطار مسافربری ما را در هفت تپه بمباران کردند.»

سرلشکر صفوی پس از پایان سخنرانی خود، به سؤالات دانشجویان پاسخ گفت. وی در پاسخ به این سؤال که "تا چه زمانی در فاو بودید و چرا از فاو بیرون آمدید؟" اظهار کرد: «ما تا فروردین ۶۷ در فاو بودیم. پس از عملیات کربلای ۵ استراتژی جنگ عوض شد... ببینید وضعیت ما چگونه بود: مثلاً لشکر ۲۵ کربلا یک گردان اینجا داشت و در چندین جا نیرو داشت. یعنی نیروهای ما تجزیه شده بودند. لذا اولاً استراتژی ما از جنوب به شمال غرب رفت، دوم اینکه عمده قوای ما در شمال غرب بود و زمانی که

این حد توان داشتیم، به جای این طرف، به سمت بصره که در ۱۵ کیلومتری آنجا بود می‌رفتیم، اما چون در توانمان نبود نمی‌توانستیم برویم.»

وی در پاسخ به سؤالی در خصوص عملیات کربلای ۴ و فتح بغداد گفت:

«علت اصلی [شکست] عملیات کربلای ۴، لورفتن عملیات توسط یکی از عناصر نفوذی بود که طرح و نقشه عملیات ما را به ارتش عراق داد و بعداً هم فرار کرد و به امریکا رفت. ما هم نمی‌دانستیم. هیچ فرمانده عاقلی اگر بداند که عملیات به صورت کامل لو رفته است، عملیات نمی‌کند و جان بچه‌ها را به خطر نمی‌اندازد. ۲-۳ ساعت اول عملیات کربلای ۴ دیدیم عراقی‌ها پشت تیربارها نشسته‌اند و اجازه عبور به بچه‌ها نمی‌دهند؛ بنابراین فرمانده کل دستور توقف عملیات را داد. لذا علت اصلی شکست کربلای ۴، لورفتن عملیات بود.»

سرلشکر صفوی در پاسخ به این سؤال که "چرا از این منطقه به بصره نرفتید؟" اظهار کرد:

«از این منطقه تا بصره باید ۷۰ کیلومتر می‌رفتیم. این نیروی پیاده ماست، نیروی زرهی و مکانیزه نداریم. هیچ‌گاه [در طول جنگ] توان ما به اندازه عراق نبود و برای گرفتن بغداد به ۱۵۰۰ گردان نیرو نیاز داشتیم. در عملیات کربلای ۴ و ۵ توانستیم حداکثر ۲۵۰ گردان را تأمین کنیم که در کربلای ۴ به دلیل ناموفق بودن، بقیه نیروهایمان را به کربلای ۵ برای گشودن دروازه شرقی بردیم. یعنی جمهوری اسلامی نمی‌توانست بیش از این ما را تجهیز کند. در عملیات رمضان در تیر ۱۳۶۱ تا انتهای نهر کتیبان رفتیم و چون لشکر زرهی نداشتیم، عراق از جناح

که دیگر تیر کلاش به ما می‌رسید و اوضاع به گونه‌ای بود که به این نتیجه رسیدم که به صورت مرحله‌ای عقب‌نشینی کنیم. به ۲ تن از فرماندهان گفتیم عقب بیاید. آقای قربانی نمی‌آمد و دستخطی برایش نوشتم که به شما تکلیف است که عقب بیاید. عقب‌نشینی سختی بود. دستور دادم نخست نیروهای انسانی (اول زنده، بعد مجروحان و سوم شهدا) را بیاورند و اگر تجهیزات بماند مشکلی نیست. به هر حال، زور دشمن (با ۱۰ لشکر) از ما (با ۱۵ گردان) بیشتر بود، آتش پشتیبانی داشتند و ما نداشتیم و مجبور به خروج از فو شدیم.»

سؤال دیگر از سرلشکر صفوی این بود که "ما در عملیات بدر و خیبر تجربه‌ای داشتیم که از نقاط قوت خیبر برای عملیات بدر استفاده کردیم. از آنجا که آقا عزیز از جزیره ام‌الرصاص

زدند و جلو آمدند، بهتر نبود که ما از جزیره ام‌الرصاص اینها را دور زده، در ۲ جبهه با عراقی‌ها می‌جنگیدیم؟" سرلشکر صفوی با خنده پاسخ گفت: «بله خیلی خوب بود، اما زورمان نمی‌آمد. اولاً، ام‌الرصاص تا اینجا ۷۰ کیلومتر فاصله دارد و ما نتوانستیم از ام‌الرصاص به این طرف بیایم و روز دوم ما را از ام‌الرصاص بیرون زدند. حتی در عملیات کربلای ۴ هم نتوانستیم این کار را انجام دهیم. رفتن به آن طرف خیلی سخت است، بعداً، چرا ما به این سمت می‌آمدیم؟ ما اگر در

علت اصلی [شکست] عملیات کربلای ۴، لورفتن عملیات توسط یکی از عناصر نفوذی بود که طرح و نقشه عملیات ما را به ارتش عراق داد و بعداً هم فرار کرد و به امریکا رفت. ما هم نمی‌دانستیم.



سردار سرلشکر سیدیحیی رحیم صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه در دوران دفاع مقدس، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اردیبهشت ۱۳۹۵.

هم گفته بودند که در بحث فاو با متخلفین برخورد می‌شود. آیا چنین چیزی صحت دارد؟" یادآور شد: «ما واقعاً نمی‌دانستیم که عراق می‌خواهد به فاو حمله کند و اگر می‌دانستیم حتماً تقویت می‌کردیم. در رده بالای سپاه دلایل و شواهد و اطلاعاتی که عراق می‌خواهد به فاو حمله کند، وجود نداشت. در رابطه با این، امریکایی‌ها هم عکس هوایی و ماهواره‌ای به عراقی‌ها دادند.»

وی درباره بحث انتخابات و ازدست‌دادن فاو در اوایل سال ۱۳۶۷ نیز گفت: «ما تا فروردین ۶۷ در حلبچه مشغول بودیم و همگی فرماندهان هم آنجا بودند و به انتخابات نمی‌رسیدیم. این قضیه اصلاً نمی‌تواند درست باشد. اصلاً فرمانده لشکر ما با فرماندهان استانی ما متفاوت بودند.»

وی درخصوص این ادعا که امام فرمودند با متخلفان در بحث سقوط فاو برخورد خواهد شد،

راستمان حمله کرد و ما را دور زد. ما چراغ‌های بصره را می‌دیدیم و اگر آن موقع ۲۰۰ تانک و نفربر داشتیم، به بصره رسیده بودیم. متأسفانه سیاسیون تجهیز نمی‌کردند. اگر سپاه پاسداران همین وضع فعلی نه، ۲۰۰ تانک و نفربر زرهی، ۱۰۰ تا توپخانه، ۱۰ تا هلیکوپتر و ۵ تا هواپیما داشت، کار جنگ را تمام می‌کردیم. اما ما در این حد امکانات نداشتیم و سیاسیون هم قائل نبودند که سپاه را تجهیز کنند و به سپاه امکانات بدهند.»

صفوی در پاسخ به این سؤال که "بر اساس برخی منابع، تعدادی از فرماندهان گفته‌اند که ما می‌دانستیم که قرار است به فاو حمله شود و انتظار یک حمله سنگین را داشتیم، اما در آن برهه زمانی توان ما آن قدر کم شده بود که نتوانستیم. بحث بعدی این است که در آن موقع بحث انتخابات داغ بوده و فرماندهان برای انتخابات رفته بودند. حضرت امام

